

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مائوتسه دون ۲۷ فبروری ۱۹۵۷

باز تایپ احمد پوپل

۳۰ اکتوبر ۲۰۱۸

درباره مسأله

حل صحیح تضادهای درون خلق *

(۲۷ فبروری ۱۹۵۷)

۴

۳ – مسأله کنوپراتیوه کردن کشاورزی

جمعیت روستاهای کشور ما بیش از ۵۰۰ میلیون نفر است و از این رو وضع دهقانان در رشد و تکامل اقتصاد ملی و استحکام حکومت ما دارای اهمیت بسیار بزرگی می باشد.

به نظر من، وضع در این زمینه به طور کلی رضایت بخش است. کنوپراتیوه (تعاونی) کردن کشاورزی با موفقیت انجام یافته است و این امر یکی از تضادهای بزرگی کشور ما را – تضاد بین صنعتی کردن سوسیالیستی و اقتصاد کشاورزی انفرادی – را حل نموده است. از آنجا که کنوپراتیوه (تعاونی) کردن کشاورزی با چنین سرعتی انجام پذیرفت، بعضی ها نگران شدند که مبادا نواقصی رخ دهد. در حقیقت نواقصی چند به چشم می خورد، ولی خوشبختانه چندان بزرگ نیستند و وضع به طور کلی سالم است.

دهقانان ما با شوق و ذوق فراوان کار می کنند و با وجود این که در سال گذشته زیان های آفات طبیعی مانند طغیان آب، خشک سالی و طوفان بیشتر از سال های اخیر بود، حجم تولید غلات در سراسر کشور افزایش یافته است. معهذاً بعضی ها طوفان کوچکی برپا و ادعا می کنند که کنوپراتیوه کردن کشاورزی به کار نمی آید و برتری ندارد. آیا کنوپراتیوه کردن کشاورزی دارای مزیتی است یا نه؟ در میان اسنادی که امروز در این جلسه توزیع شده است، سندی درباره کنوپراتیوه "وان گوه فان" (۱) واقع در شهرستان "زون هوا" از استان "حه به" وجود دارد، من پیشنهاد می کنم آن را مطالعه کنید.

این کنوپراتیوه که در یک منطقه کوهستانی واقع است، در گذشته فقیر و محتاج بوده و همه ساله به کمک غله از طرف دولت توده ئی ما نیاز داشته است. هنگامی در ۱۹۵۳ در آنجا کنوپراتیوه تشکیل شد، همه آن را "کنوپراتیوه بینوایان"

1

کنوپراتیوه (تعاونی) "وان گوه فان" – یعنی کنوپراتیوه (تعاونی) تولیدی کشاورزی و جنگلانی و دامپروری "جیان مین" واقع در دهکده "سیشلی پو" از شهرستان "زون هوا" استان "حه به". این کنوپراتیوه (تعاونی) تحت رهبری "وان گوه فان" به علت پشتکار و صرفه جویی در اداره کنوپراتیوه (تعاونی) در سراسر کشور معروفیت پیدا کرده است. در سپتمبر ۱۹۵۸ این کنوپراتیوه (تعاونی) به کمون توده ئی "جیان مین" بدل گشت و "وان گوه فان" به سمت ریاست این کمون توده ئی انتخاب شد.

نامیدند. ولی در نتیجه مبارزه سخت چهارساله وضع این کئوپراتیو سال به سال رو به بهبودی نهاد، به طوری که اکنون اکثریت مطلق اعضای این کئوپراتیو دارای مازاد غله می باشد. آنچه را که این کئوپراتیو توانست خلق کند، باید سایر کئوپراتیو ها نیز تحت شرایط عادی و حتی اگر به زمانی بیشتر احتیاج باشد، بتوانند بیافرینند. این نشان می دهد که ادعای نادرست بودن کئوپراتیوه کردن پایه و اساس ندارد.

از اینجا باز معلوم می شود که برای تشکیل کئوپراتیو ها به مبارزه سختی نیاز است. هر پدیده نو همواره از راه پرپیچ و خم و در مبارزه با مشکلات رشد می یابد. خیال باطلی است اگر فکر کنیم که در امر سوسیالیسم بدون برخورد با دشواری ها و پیچ و خم ها و بدون صرف حداکثر نیرو کامیابی را باد موافق به رایگان می آورد و موفقیت سهل و آسان به دست می آید.

پشتیبانان فعال کئوپراتیوه ها کی ها هستند؟ اینها اکثریت مطلق دهقانان فقیر و قشر پائینی دهقانان میانه حال هستند که مجموعاً بیش از ۷۰ درصد جمعیت روستا ها را تشکیل می دهند. بخش اعظم بقیه مردم نیز به کئوپراتیوه ها امید می بندند. فقط اقلیت بسیار ناچیزی واقعاً ناراضی هستند. عده زیادی بدون تجزیه و تحلیل این وضع و بدون بررسی جامعی از کامیابی ها و نقایص کئوپراتیو ها و علل پیدایش این نواقص، جزء را به عنوان کل قلمداد می کنند؛ بدین سان بعضی ها طوفان کوچکی به راه انداخته و ادعا می کنند که گویا کئوپراتیو ها برتری ندارند.

برای استحکام کئوپراتیو ها چقدر وقت لازم است و این ادعاهائی که گویا کئوپراتیو ها مزیتی نشان نمی دهند، تا کی (چه وقت) بساط خود را بر خواهند چید؟ از تجارب رشد و تکامل بسیاری کئوپراتیو ها چنین برمی آید که تقریباً پنج سال یا کمی بیشتر وقت لازم است. اکنون از عمر اکثر کئوپراتیوهای ما فقط کمی بیش از یک سال نمی گذرد و این غیر منطقی است اگر توقع داشته باشیم که وضع آنها از هر لحاظ خوب باشد. به نظر من اگر کئوپراتیو ها در جریان اولین نقشه پنج ساله تشکیل شوند و در جریان دومین نقشه پنج ساله استحکام یابند، آن وقت باید کاملاً راضی باشیم.

کئوپراتیو ها هم اکنون پروسه استحکام تدریجی را می گذرانند. در آنها تضادهائی هنوز موجودند که باید حل شوند. مثلاً تضادهائی بین دولت و کئوپراتیوه ها، در درون کئوپراتیو ها و بین کئوپراتیو ها وجود دارند که باید آنها را حل کرد.

ما باید پیوسته دقت کنیم که تضادهای فوق الذکر در زمینه های تولید و توزیع حل شوند. درمسأله تولید اقتصاد کئوپراتیوی باید از یک طرف تابع نقشه واحد اقتصادی دولت باشد، ولی در عین حال بدون این که نقشه واحد، سیاست ها و مقررات دولتی را نقض کند، باید تا حدودی نرمش و استقلال داشته باشد؛ از طرف دیگر در داخل کئوپراتیو ها هر خانوار باید تابع نقشه عمومی کئوپراتیو و یا گروه تولیدی خود باشد، ولی می تواند در مورد قطعه زمینی که برای استفاده شخصی اش معین شده است و یا در مورد سایر امور اقتصادی شخصی برای خود نقشه هائی تدوین نماید. ما در مورد مسأله توزیع باید منافع دولتی، کلکتیوی و منافع شخصی را به حساب آوریم.

ما باید بین مالیات های دولتی، انباشت کئوپراتیو ها و درآمد های شخصی دهقانان تناسب صحیحی برقرار نماییم و پیوسته مترصد باشیم تا تضادهائی را که در این امر پدید می آیند، حل کنیم.

دولت و کئوپراتیو ها باید هر دو ذخیره کنند، ولی این ذخیره نباید بیش از اندازه زیاد باشد. ما باید از کلیه امکانات استفاده کنیم تا دهقانان در سال های عادی خرمن (محصول) بتوانند سال به سال درآمد شخصی خود را بر اساس افزایش تولید بالا ببرند.

عده زیادی می گویند که دهقانان سخت زندگی می کنند. آیا این نظر صحیح است؟ این نظر از یک طرف صحیح است. زیرا امپریالیست ها و عمال آنان کشور ما را بیش از یک قرن تحت ظلم و ستم و استثمار خود نگهداشته بودند به طوری که این سرزمین کشوری بسیار فقیرگشته است؛ بدین جهت نه فقط سطح زندگی دهقانان ما، بلکه سطح زندگی کارگران و

روشنفکران ما نیز پائین است. ما برای اینکه بتوانیم سطح زندگی تمام خلق کشور مان را به تدریج بالا ببریم، احتیاج به چند ده سال کار سخت داریم. اگر لغت "سخت" در این مفهوم استعمال شود، بجا است.

ولی از طرف دیگر چنین نظری نادرست است. این نادرست است اگر ادعا شود که طی هفت سال پس از آزادی فقط زندگی کارگران بهبود یافته و در زندگی دهقانان تغییری حاصل نشده است. در حقیقت زندگی کارگران و زندگی دهقانان هر دو به استثنای عده خیلی خیلی، تا اندازه ای بهبود یافته است. بعد از آزادی کشور، دهقانان از قید استثمار مالکان ارضی رها شدند و تولید آنان سال به سال رشد و تکامل یافته است. به عنوان مثال غلات را در نظر بگیریم: در سال ۱۹۴۹ میزان تولید غلات کشور فقط کمی بیش از ۱۰۵ میلیون تُن بود. ولی در سال ۱۹۵۶ به بیش از ۱۸۰ میلیون تن رسید، یعنی تقریباً ۷۵ میلیون تن بر آن افزوده شد.

مالیات کشاورزی دولتی بار سنگینی نیست و در سال تقریباً بالغ بر ۱۵ میلیون تن می شود. مقدار غله ای که همه ساله از دهقانان به قیمت عادی خریداری می شود نیز کمی بیش از ۲۵ میلیون تن است. این دو فقره مجموعاً فقط کمی بیش از ۴۰ میلیون تن است. بیش از نیمی از این غلات در روستاها و شهرهای کوچک مجاوردهات فروخته می شود. از این رو روشن است که نمی توان منکر بهبود زندگی دهقانان شد. ما در نظر داریم برای مدت چند سال غله ای که از دهقانان به عنوان مالیات گرفته یا خریده می شود، به طور کلی در سطح کمی بیش از ۴۰ میلیون تن ثابت نگهداریم تا این که کشاورزی رشد و کنوپراتیو ها استحکام یابند و کمبود غله تعدادی کمی از خانواده های دهقانی برطرف گردد و در نتیجه کلیه خانواده های دهقانی - به جز عده ای که محصولات صنعتی تولید می کنند - بتوانند غله اضافی و یا برای رفع مایحتاج خود غله داشته باشد. بدین ترتیب در دهات دیگر دهقان فقیر دیده نخواهد شد و سطح زندگی همه دهقانان به سطح زندگی دهقانان میانه حال خواهد رسید و یا از آن جلو خواهد افتاد.

این نادرست است اگر ما به طور ساده درآمد متوسط سالیانه یک دهقان را با درآمد متوسط سالیانه یک کارگر مقایسه کنیم و سپس بگوئیم درآمد این یکی پائین و درآمد آن یکی بالا است. بازده کار تولیدی کارگران از بازده کار تولیدی دهقانان بسیار بیشتر است، در حالی که هزینه زندگی دهقانان به مراتب کمتر از هزینه زندگی کارگران شهری می باشد. بدین جهت نمی توان گفت که کارگران مورد توجه ویژه دولت قرار می گیرند. دستمزد تعدادی کمی از کارگران و برخی از کارمندان ادارات دولتی قدری بالاست و دهقانان به حق از این امر ناراضی اند. لذا لازم است طبق شرایط مشخص در این مورد اصلاحات مناسبی انجام گیرد.